



بیاضت سالگرد در گذشت ابوالحسن صبا
صبا؛ آموزگاری با هزاران شاگرد

<p>جاست اگر او را آموزگار بزرگ موسیقی ایران بنامیم. صبا رغبت چندانی به ساخت و پرداخت تصنیف و ترانه نداشت ولی شماری موسیقی بی کلام از او بر جای مانده که در میان آن‌ها چند چهار مضراب سخت تأثیر گذار از کار درآمده، از جمله چهار مضراب سه گاه معروف به زنگ شتر. صبا نظرات ویژه‌ای درباره موسیقی سنتی ایران داشت، ولی چون سنت گرایان افراطی آن را برتر از همه انواع موسیقی نمی‌دانست. او می‌گفت که ریشه موسیقی یکی است و تفکیک آن به شرقی و غربی معنایی ندارد و قائل شدن به جدائی، سبب پدید آمدن وضعیت ناهنجار کنونی در موسیقی ملی ما شده است.</p> <p>حرف‌های تاب دیگری از صبا باقی مانده که نشان‌دهنده دریافت درست او از موسیقی ایران است: ... موسیقی ایرانی ساخته روح و محیط و تأثرات و عواطف خودمان است، چیزی نیست که به دور</p>	<p>موسیقی نیز آشنا شد و به محض آنکه کارآمد شد، برای تدریس موسیقی به استخدام مدرسه درآمد و به همکاری با ارکستر تازه بنیاد مدرسه پرداخت.</p> <p>در سال ۱۳۰۸ که وزیر مدرسه صنایع مستظرفه را در رشت بنیاد کرد، صبا را به سرپرستی آن برگزید. سفر به شمال از نقطه‌های عطف در زندگی صبا به شمار می‌رود. او در گیلان به موسیقی سحرآمیز بومی نزدیک تر شد و به گردآوری آن پرداخت و قطعه‌هایی از آن را برای اجرای با ویولن تنظیم کرد (مثل زرد ملیجه، قاسم آبادی، دیلمان).</p> <p>خلاقیت ذهنی و دستاوردهای عینی زندگی صبا از چیزی بیش از استعداد قریحه خبر می‌دهد که به نوع پهلوی می‌زند. از یاد نبریم که صبا علاوه بر آنکه در نواختن غالب سازهای ملی مهارت داشت با نقاشی و طراحی و خطاطی و منبت کاری نیز آشنا بود.</p>	<p>صبا به مجموعه آندک سازهای ملی افزوده شد. صبا خود با نواختن ماهرانه ویولن عملاً کوشید امکانات گسترده آن را در اجرای قطعات حساس و دشوار آشکار سازد. همین کوشش‌های او بود که ویولن را به یکی از محبوب‌ترین سازهای موسیقی ایران تبدیل کرد؛ محبوبیتی که هنوز با وجود مخالفت‌های مستمر سنت‌گرایان از میان نرفته است.</p> <p>ابوالحسن صبا در سال ۱۲۸۱ در تهران به دنیا آمد. پدرش کمال السلطنه، همان دولتمدار قاجاری است که شفیع درویش خان شد تا شعاع السلطنه از قطع انگشتان او منصرف شود.</p> <p>صبا در مدرسه آمریکایی‌ها درس خواند و به موازات آن نزد استادان برجسته‌ای چون میرزا عبدالله، درویش خان و حسین اسماعیل‌زاده نواختن سه تار و تارو کمانچه را آموخت. صبا به این‌ها نیز پسندیده نگردد و تنبک نوازی را از حاجی خان ضری و ویولن تازه وارد را از حسین خان هنگ آفرین فراگرفت.</p> <p>ابوالحسن صبا، اگر می‌خواهیم موسیقی نشاط آور داشته باشیم اول باید در ذهن و قلب خود ایجاد پشاشت و نشاط نمائیم (نه در ظاهر) طبعاً موسیقی ما هم نشاط آور خواهد شد.</p> <p>صبا بیست و یک ساله در سال ۱۳۰۲ در مدرسه موسیقی وزیر نام نوشت و کار روی ویولن را نزد خود</p>	<p>محمود خوشنام</p> <p>ابوالحسن صبا در ۲۹ آذر ماه ۱۳۴۶ چشم از جهان فرو پوشید. حضور صبا و آموزه‌های او و فراگیر شدن آن‌ها، تأثیری بنیادین در جامعه موسیقی سنتی نهاد و چنان ریشه‌ای دوانید که با مرگ او و شاگردانش نیز از میان برنخاست. صبا در صف نوآوران سنتی پس از درویش خان و علینقی وزیر جای می‌گیرد با این امتیاز که شاید فعال‌تر از آن‌ها بود و در همه حوزه‌های موسیقی کار کرده است. در حوزه آموزش نخست در صدد پاکسازی ردیف سنتی برآمد. گوشه‌های تکراری را به کناری نهاد، در راستای شادسازی ردیف، قطعات ضربی تازه‌ای ساخت و به آن افزوده؛ قطعاتی چنان سازگار، که رفته رفته به گوشه‌های ماندگار تبدیل شد. بعداً این ردیف پالوده و پاکیزه را با الفبای بین‌المللی موسیقی نوشت و در چند جلد انتشار داد. این مجموعه مورد بهره‌گیری هزاران هنرجو قرار گرفته و هنوز چیز دیگری نتوانسته جایش را بگیرد. صبا این ردیف پالوده را ابتدا برای ویولن تنظیم کرد و بعد برای سازهای دیگر. ویولن ساز محبوب او بود. کوشید آن را به تابعیت موسیقی ایران درآورد. پیش از او این ساز فرنگی را به شیوه کمانچه می‌نواختند. صبا شیوه‌ای ویژه برای نواختن آن پیدا کرد که دیگر نه متعلق به کمانچه بود و نه بوی موسیقی فرنگی می‌داد، به این ترتیب یک ساز پر از ظرافت و قابلیت احداث، به همت</p>
<p>ریخته شود یا عوض شود فقط برای آنکه احتیاجات امروز را کفایت کند باید در قالب علمی ریخته شود و بر اساس موسیقی صحیح استوار گردد، نه اینکه با تقلیدهای ناروا آن را از جاده اصلی منحرف سازد.</p> <p>حرف دیگر درباره غم انگیز بودن موسیقی ایران است. او در این باره نظری جامعه‌شناسانه دارد؛ می‌گویند موسیقی ایران مغموم است و باید موسیقی نشاط آور جای آن گذاشت. اگر موسیقی نشاط آور</p>	<p>صبا؛ آموزگاری با</p> <p>صبا از طریق ردیف‌های پیراسته‌اش در خانه همه موسیقیدانان حضور دارد و آموزه‌های نوآورانه خود را تداوم می‌بخشد. قطعاتی از ساخته‌های او همان گونه که اشاره کردیم در ردیف‌های او جای گرفته و در تمرین‌ها و کنسرت‌ها به زندگی خود ادامه می‌دهد. از سوی دیگر انتشار ردیف‌های صبا در هزاران نسخه، هزاران شاگرد برای او در سراسر ایران فراهم آورد. به</p>	<p>وزیری ادامه داد و با میانی علمی</p>	

<p>نمائیم (نه در ظاهر) طبعاً موسیقی ما هم نشاط آور خواهد شد.</p>	<p>اگر می‌خواهیم موسیقی نشاط آور داشته باشیم اول باید در ذهن و قلب خود ایجاد پشاشت و نشاط</p>	<p>نمائیم، و اگر بنیان موسیقی مغموم باشد چگونه می‌توان از آن موسیقی پشاش و خندان به وجود آورد؟ پس</p>	<p>تهیه شود که ریشه‌های آن از موسیقی ایرانی آب نخورد که دیگر نمی‌توان آن را موسیقی ایرانی</p>
--	---	---	---